



Analysis of Effective Paratextual Elements to Improving Fiction Retrieval by Structural Equation Modeling

Sakineh Ghasempour 

*Corresponding author, Ph.D candidate of LIS, Faculty of Education & Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. E-mail: s.ghasempour@alzahra.ac.ir.

Zoya Abam 

Assistant Professor, Department of Knowledge and Information Science, Faculty of Education & Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. E-mail: zoya.abam@alzahra.ac.ir.

Roya Baradar 

Associate Professor, Department of Knowledge and Information Science, Faculty of Education & Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. E-mail: rbaradar@alzahra.ac.ir.

Abstract

Objective: The purpose of this study is to identify paratextual elements in retrieving fiction from the readers' perspective in order to provide the most appropriate access points for the readers and improve access to fictions based on the readers' needs.

Methodology: The approach of this research is mixed method conducted with sequential exploratory strategy. The statistical population in both stages of the study was readers of fiction literature. In the first phase of the study, a number of 14 story readers participated in a semi-structured interview. The collected data was coded and analyzed based on the six-step content analysis framework of Brown and Clark using MAXQDA software version 2018. In the second phase, a questionnaire designed based on 5-point Likert scale was used to data collection and the collected data was analyzed by structural equation modeling. Also, SmartPLS software version 3 was used to analyze the data.

Findings: According to the first stage results of the study, 12 paratextual elements in the form of 4 main themes of bibliographic information (including author name, title, publisher name and date of publication), information about the author (including biography, awards and other works of the author), review/ criticism (including 3 elements of other readers' comments, literary criticism and reviews and summaries about the work) and physical characteristics (including two elements of cover design and number of pages) were identified by themes analysis of the interviews. In the second phase of the study, the results of the structural equation modeling test confirmed the effect of review and criticism, bibliographic information, and

information about physical characteristics of work on improving fiction retrieval. Based on the results, reviews and criticism that have been written about the work with path coefficient of 0.517 more than other paratextual elements about the work could help the reader to retrieve fiction. After that, the bibliographic information with path coefficient of 0.287 and the physical characteristics of the work with path coefficient of 0.148 are in the next ranking. Since the value of t-statistic for author information is less than 1.96, the effect of this variable on fiction retrieval is not confirmed.

Conclusion: Paratextual elements could be useful in perception, evaluation, making decision, selecting resources and help fiction readers to find relevant fictions. With use of paratextual elements of fiction to enrich library catalogues and create several access points, we could develop and improve search and retrieval systems and also increase the efficiency of these systems in retrieving fiction readers need. Therefore, it is suggested that the paratextual elements identified in this study, whose effect on improving fiction retrieval have been confirmed, be used as part of describing fiction content in library catalogs. It is also suggested that these elements be used in the design and development of fiction storage and retrieval systems in libraries to increase the efficiency of these systems and enable successful search and retrieval for fiction readers.

Keywords: Paratextual Elements, Fiction Literature, Fiction Retrieval, Structural equation modeling.

Article type: Research

Publisher: Central Library of Astan Quds Razavi



© The author(s)

Library and Information Sciences, 2021, Vol. 24, No. 3, pp. 60-83.

Received: 04/10/2020 - Accepted: 27/01/2021

واکاوی عناصر پیرامنتی تأثیر گذار در بهبود بازیابی داستان با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری

سکینه قاسم‌پور

*نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.
رایانامه: s.ghasempor@gmail.com

زویا آبام

استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.
رایانامه: zoya.abam@alzahra.ac.ir

روی‌ا برادر

دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.
رایانامه: rbaradar@alzahra.ac.ir

چکیده

هدف: هدف این پژوهش، شناسایی عناصر پیرامنتی تأثیر گذار بر بازیابی داستان از دیدگاه خوانندگان به منظور بهبود دسترسی به منابع داستانی است. منظور از پیرامنت‌ها، عناصری هستند که جزء بدنه اصلی متن یک داستان نیستند؛ اما به نوعی با آن در ارتباط بوده و می‌توانند بر خواننده و قضاوت‌های وی در خصوص داستان تأثیر بگذارند.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از نظر رویکرد، از نوع ترکیبی است و با راهبرد متوالی اکتشافی انجام گرفت. جامعه آماری در هر دو مرحله از پژوهش، خوانندگان ادبیات داستانی بودند. ابزار گردآوری داده‌ها در مرحله اول، مصاحبه نیمه‌ساختار یافته فردی بود و داده‌های گردآوری شده با روش تحلیل مضمون کدگذاری و تحلیل شد. به منظور گردآوری داده‌ها در مرحله دوم پژوهش، از یک پرسشنامه محقق‌ساخته در مقیاس لیکرت استفاده شد و داده‌های گردآوری شده با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار SmartPLS استفاده شد.

یافته‌ها: بر اساس تحلیل مضمون مصاحبه‌های انجام گرفته در مرحله اول پژوهش، ۱۲ عنصر پیرامنتی در قالب ۴ مضمون اصلی اطلاعات کتابشناختی، اطلاعات مربوط به نویسنده، مرور و نقد و مشخصات ظاهری شناسایی شد. در ادامه، نتایج آزمون مدل‌سازی معادلات ساختاری معنی‌داری تأثیر مرورها و نقدهای نوشته شده درباره اثر، اطلاعات کتابشناختی و اطلاعات مربوط به ویژگی‌های ظاهری اثر در بهبود بازیابی داستان را تأیید کرد.

نتایج: توجه به عناصر پیرامنتی می‌تواند در درک، ارزیابی، تصمیم‌گیری و انتخاب داستان تأثیر داشته و به جستجوگران در یافتن کتاب‌های داستانی مرتبط کمک کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود از عناصر شناسایی شده در این پژوهش که تأثیر آن‌ها در بهبود بازیابی داستان تأیید شده است، به عنوان بخشی از توصیف محتوای داستان در فهرست‌های کتابخانه استفاده شود.

کلیدواژه‌ها: عناصر پیرامنتی، ادبیات داستانی، بازیابی اطلاعات، بازیابی داستان، مدل‌سازی معادلات ساختاری.

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی



© نویسندگان

کتب‌داری و اطلاع‌رسانی، ۱۴۰۰، دوره ۲۴، شماره ۳، شماره پیاپی ۹۴، صص. ۶۰-۸۳

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۷/۱۳- تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۸

مقدمه

در اوقات فراغت، افراد معمولاً به فعالیت‌هایی می‌پردازند که موجبات لذت آن‌ها را فراهم می‌کند. یکی از این فعالیت‌ها خواندن است. در خواندن برای لذت، فرد به صورت مستقل و با میل و اراده شخصی و به منظور کسب رضایت خاطر، عمل خواندن را انجام می‌دهد و همان‌طور که اوئی^۱ و لیو^۲ (۲۰۱۱) نیز اشاره کرده‌اند، داستان یکی از مهمترین انواع مواد خواندنی است که سهم عمده‌ای را در این نوع از خواندن به خود اختصاص می‌دهد. از این رو، بسیاری از انواع کتابخانه‌ها، به ویژه کتابخانه‌های عمومی در امر فراهم‌آوری و توسعه مجموعه خود، توجه ویژه‌ای به تهیه منابع داستانی داشته‌اند. نگاهی به آمار امانت کتاب‌ها در کتابخانه‌های عمومی در کشورهای مختلف دنیا نشان می‌دهد که داستان از پرخواننده‌ترین منابع در این کتابخانه‌ها به شمار می‌آید. به عنوان مثال، بر اساس گزارش سارینن^۳ و واکاری^۴ (۲۰۱۳) در سال ۲۰۰۵ نسبت امانت کتاب‌های داستانی به کل کتاب‌ها در کتابخانه‌های عمومی هلند، ۷۳ درصد و در کشور انگلستان در سال ۲۰۱۳، ۴۴ درصد بوده است. همچنین آمار امانت کتابخانه‌های عمومی فنلاند^۵ نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۰، حدود ۶۷ درصد از کل امانت‌های کتابخانه‌های عمومی فنلاند متعلق به داستان و در سال ۲۰۱۹، این رقم حدود ۶۹ درصد بوده است (آمار کتابخانه‌های عمومی فنلاند، ۲۰۲۰). با توجه به این که، بخش قابل توجهی از خوانندگانی که به کتابخانه‌های عمومی مراجعه می‌کنند، خوانندگان داستان هستند که به امید یافتن کتابی خوب که از خواندن آن لذت ببرند، به کتابخانه مراجعه می‌کنند. لذا توجه به بازیابی منابع داستانی و بهبود دسترسی به داستان در کتابخانه‌ها ضرورت دارد.

با توجه به این که داستان مفهوم‌محور است و تفسیر محتوای داستان به قضاوت‌های خوانندگان بستگی دارد، لذا یک سیستم ذخیره و بازیابی داستان به منظور بهبود دسترسی به منابع داستانی، باید با نیازهای کاربران و معیارهای آن‌ها در انتخاب داستان ارتباط نزدیکی داشته باشد و جنبه‌های مختلف نیازهای خوانندگان را منعکس کند. با وجود تمام تلاش‌هایی که در جهت دسترس‌پذیری منابع داستانی در کتابخانه‌ها صورت گرفته و مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است، در درک ما در خصوص ویژگی‌هایی که بتواند واقعیت داستان را منعکس کرده و به خواننده در بیان بهتر نیاز خود و برآورده کردن آن نیاز کمک کند، شکاف وجود دارد. هرچند سیستم‌های مختلفی برای بازیابی ادبیات داستانی پیشنهاد و در مواردی پیاده‌سازی

1. Ooi
 2. Liew
 3. Saarinen
 4. Vakkari
 5. Statistics of Finnish Public Libraries

شده است، ولی همان‌طور که واکاری^۱ و سرولا^۲ (۲۰۱۲) نیز بیان کرده‌اند، این سیستم‌ها نتوانسته‌اند آنچنان که باید موفق عمل کنند. به این دلیل که تنها به ویژگی‌های خود متن داستان تمرکز کرده‌اند و توجهی به مقوله خواننده و نیازهای او نداشته‌اند. لذا قادر به پاسخگویی به نیازهای جستجوگران داستان نبوده‌اند و مشکل دسترسی به داستان در کتابخانه‌ها همچنان به قوت خود باقی مانده است.

داستان و عناصر تشکیل دهنده آن

داستان یا ادبیات داستانی در معنای جامع آن، به هر روایتی اطلاق می‌شود که خصلت ساختگی و ابداعی آن بر جنبه تاریخی و واقعیش غلبه کند. از این رو ظاهراً باید همه انواع خلاقه ادبی را در بر گیرد، اما در عرف نقد امروز، به آثار روایتی منثور، داستان گفته می‌شود (میرصادقی، ۱۳۹۴). دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی نیز، داستان را نوشته‌های منثور روایی تعریف کرده است که حوادث، شخصیت‌ها و صحنه‌های آن از روی تخیل نوشته شده باشد، به نحوی که واقعی بنماید بی آن که لزوماً واقعی باشد (سلطانی و راستین، ۱۳۹۸). به تعبیر دیگر، به هر اثر هنری منثوری که بیش از آن که از لحاظ تاریخی حقیقت داشته باشد، آفریده و ابداع نیروی تخیل و هنر نویسنده است، داستان گفته می‌شود.

هر داستانی برای شکل‌گیری خود از ساختار و عناصری تشکیل می‌شود که با هنرمندی و خلاقیت داستان‌نویس به صورت یک داستان کامل، ظهور و نمود می‌یابد و داستان‌نویس با کمک این عناصر به آفرینش پیکره داستان می‌پردازد (میرصادقی، ۱۳۹۵). این عناصر به طور منظم و هماهنگ در قالبی ریخته می‌شوند تا واکنش عاطفی خواننده را برانگیزند و وی را با داستان همراه کنند. اگرچه، در خصوص عناصر اصلی تشکیل‌دهنده داستان در میان اهل فن اتفاق نظر وجود ندارد و در برخی موارد ویژگی‌هایی که برای عناصر داستان شمرده شده به سختی از هم تفکیک‌پذیر است؛ با این حال عناصر مهم داستانی که مورد توافق بیشتر نظریه‌پردازان است عبارتند از پیرنگ^۳، درونمایه یا مضمون^۴، شخصیت^۵، زاویه دید^۶، صحنه^۷، لحن^۸، فضا یا جو^۹، سبک و شیوه نگارش^{۱۰} (میرصادقی، ۱۳۹۴).

1. Vakkari
2. Serola
3. Plot
4. Theme
5. Character
6. Point of View
7. Setting
8. Tone
9. Atmosphere
10. Style

عناصر پیرامنی داستان

جدای از عناصر اصلی تشکیل دهنده داستان که به آن‌ها اشاره شد، هر متن ادبی یک سری ویژگی‌ها و عناصری دارد که جزء متن محسوب نمی‌شوند ولی در درک معنا و مفهوم آن بسیار تعیین‌کننده هستند. این عناصر و ویژگی‌ها با عنوان پیرامتن شناخته می‌شوند. واژه پیرامتن برای اولین بار توسط ژرار ژنت در کتاب «آستانه‌ها»^۱ (۱۹۹۷) مطرح شد. به گفته ژنت زنجیره‌هایی از عبارات همراه با نشانه‌ها، متن یک اثر ادبی را تشکیل می‌دهند؛ ولی به ندرت پیش می‌آید که متنی بدون هیچ مقدمه‌ای، به تنهایی و مستقیم به مخاطب عرضه شود. به عبارت دیگر، یک متن همواره در پوششی از متن‌های دیگر قرار دارد. این متن‌های دیگر که ژنت از آن‌ها با عنوان پیرامتن یاد می‌کند، آستانه‌های ورود به متن اصلی محسوب می‌شوند که مخاطب را به سمت متن اصلی رهنمون ساخته و بر ادراکات فردی و همچنین فرهنگی از متن تأثیر می‌گذارند. جاناتان گری^۲ (۲۰۱۵) پیرامتن‌ها را به عنوان آن چیزی معرفی نموده است که فضا را برای حضور مخاطب در متن اصلی مهیا می‌کند. پیرامتن‌ها تصورات و انتظاراتی را در ذهن خواننده ایجاد می‌کنند و همین تصورات و انتظارات روی واکنش خواننده نسبت به متن تأثیر می‌گذارند. در بسیاری موارد شناخت مردم از متون به واسطه شناختی است که از پیرامتن‌هایشان به دست آورده‌اند. به این دلیل که در اکثر موارد، مخاطب بیشتر از این که با متن اصلی در ارتباط باشد، با پیرامتن‌های آن در تماس است و متن مورد نظرش را از میان انبوه پیرامتن‌ها انتخاب می‌کند. در واقع برداشت و تصور اولیه خواننده از هر متنی پیش از ورود به آن، بسیار متکی به این پیرامتن‌ها است و غالباً با توجه به آن‌ها شکل می‌گیرد.

اهمیت عناصر پیرامتنی در این است که با استفاده از آن خواننده می‌تواند بدون نیاز به تحلیل عمیق خود اثر، بینشی در خصوص منابع و اطلاعاتی که یک اثر فراهم می‌کند، به دست آورده و ارزیابی اولیه از اعتبار اثر را انجام دهد. به عبارت دیگر، پیرامتن به خواننده کمک می‌کند تا اثر را درک کند و ارزش آن را بفهمد. پیرامتن در معرفی کتاب نقش اساسی بر عهده دارند و غالباً طرحی کلی از مضمون و چگونگی دریافت متن ارائه می‌دهند و نیز طریقه فهم و درک اثر را تا حدودی مشخص می‌کنند. نویسنده از پیرامتن‌ها در جهت پدید آوردن انگیزه و کشش در خواننده و ارائه اطلاعاتی به او استفاده می‌کند. به گفته ژنت، پیرامتن آستانه‌ای است که در آن، یک خواننده می‌تواند تصمیم بگیرد که وارد اثر شود یا خیر (ژنت، ۱۹۹۷). با توجه به این که خوانندگان می‌توانند از تجزیه و تحلیل پیرامتن به عنوان ابزاری برای نزدیک شدن به اثر و بررسی و ارزیابی

آثار استفاده کنند (گراس^۱، ۲۰۱۷)، به نظر می‌رسد بتوان از این عناصر در بازیابی و انتخاب مؤثر داستان استفاده کرد، اگرچه در سامانه‌های بازیابی اطلاعات چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرند.

با توجه به خلاءهایی که در زمینه بازیابی و دسترسی به داستان در سیستم‌های کتابخانه‌ای و بازیابی کنونی وجود دارد و نیز شواهدی که نشان می‌دهد داشتن تنها یک نوع نقطه دسترسی برای داستان چندان مفید نیست (ویلسون^۲ و دیگران، ۲۰۰۰) و لیست نتایج غنی شده و فراهم کردن نقاط دسترسی زیاد برای بازیابی داستان، به کاربران در یافتن کتاب‌های داستانی مرتبط کمک خواهد کرد (میکونن^۳ و واکاری^۴، ۲۰۱۶؛ کولن^۵ و دیگران، ۲۰۱۵؛ واکاری و دیگران، ۲۰۱۴؛ پونتینن^۶ و واکاری، ۲۰۱۳). هدف این پژوهش آن است تا عناصر پیرامنتی را که از دیدگاه خواننده به بازیابی داستان کمک می‌کنند شناسایی کرده و تأثیر این عناصر را بر بازیابی منابع داستانی، آزمون کند. انتظار می‌رود شناسایی عناصر پیرامنتی تأثیرگذار در بازیابی داستان و استفاده از آن‌ها در طراحی نظام‌های جستجو و بازیابی داستان، ناسازگاری‌هایی که ممکن است در تطابق داستان با خواسته خواننده پدید آید به حداقل برساند و امکان بهبود دسترسی به داستان متناسب با علایق خواننده فراهم شود.

پیشینه پژوهش

مطالعه ادبیات در زمینه پیرامنتی نشان می‌دهد که در حال حاضر جدای از رشته ادبیات، در زمینه‌های مختلفی از جمله ارتباطات و مطالعات رسانه‌ای طیف قابل توجهی از مطالعات در خصوص پیرامنتی انجام گرفته که این نشان دهنده علاقه محققان و نویسندگان به نظریه ژنت (۱۹۹۷) است. از نظریه ژنت برای مطالعه داستان‌های تخیلی (لیونورث^۷، ۲۰۱۵؛ هیل^۸ و پکوسکی^۹، ۲۰۱۴)، بازی‌های ویدئویی (راکنبرگ^{۱۰}، ۲۰۱۴)، فیلم (بنزون^{۱۱}، ۲۰۱۳)، متون دیجیتالی (مک کرکن^{۱۲}، ۲۰۱۵؛ مالونه^{۱۳}، ۲۰۱۴؛ استرهووک^{۱۴}، ۲۰۱۷) و

1. Gross
2. Wilson
3. Mikkonen
4. Vakkari
5. Koolen
6. Pöntinen
7. Leavenworth
8. Hill
9. Pecoskie
10. Rockenberger
11. Benzon
12. McCracken
13. Malone
14. Strehovec

رسانه‌های اجتماعی (ناچر^۱، ۲۰۱۴) استفاده شده است. اگرچه بخش اعظم تحقیقات در زمینه پیرامتن در حوزه‌هایی خارج از علم اطلاعات انجام گرفته است، در سال‌های اخیر در علم اطلاعات و دانش‌شناسی نیز مطالعاتی در خصوص پیرامتن انجام گرفته است. از آن جمله می‌توان به اسپیتتری^۲ و دیگران (۲۰۱۶) اشاره کرد. آن‌ها در مطالعه خود اطلاعات مربوط به ۲۲ عنوان کتاب داستانی را در فهرست ۴۳ کتابخانه عمومی کانادا و ۴۳ شبکه اجتماعی برای شناسایی نقاط دسترسی به داستان، مورد بررسی و تحلیل محتوایی قرار دادند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد تأثیرات احساسی داستان بر خواننده (به عنوان مثال خسته‌کننده، خنده‌دار و غیره) که در محتوای تولید شده توسط خوانندگان درباره کتاب‌های داستانی ارائه می‌شود، بهتر از سرعنوان‌های موضوعی که توسط کارمند کتابخانه به منبع اختصاص می‌یابد، منعکس کننده نیازهای خواننده است. لذا این فراداده‌ها می‌توانند به عنوان نقاط دسترسی اضافی برای کمک به خواننده به خدمت گرفته شوند تا بتواند کتاب‌های مورد علاقه خود را جستجو کرده و بازیابی کند.

نولتون^۳ و هکرت^۴ (۲۰۱۵) به منظور بررسی تأثیر اطلاعات ارائه شده در روی جلد کتاب‌ها در میزان امانت آن‌ها، در مطالعه‌ای کمی، از کتاب‌های غیرداستانی کتابخانه‌های دانشگاهی، تعداد هزار و صد و سی و یک کتاب را به عنوان نمونه انتخاب کرده و آمار امانت آن‌ها را بر اساس اطلاعات ارائه شده در جلد، با یکدیگر مقایسه کردند. یافته‌های آن‌ها نشان داد کتاب‌هایی که ناشر، اطلاعاتی در مورد کتاب‌ها روی جلد ارائه می‌دهند، نسبت به کتاب‌هایی با جلد ساده بیشتر به امانت رفته‌اند. پژوهش انجام گرفته توسط نولتون و هکرت محدود به یک کتابخانه اصلی بود و میزان امانت کتاب‌ها در همه رده‌ها و زیررده‌ها مورد بررسی قرار نگرفته بود.

ساپرل^۵ (۲۰۱۳) چکیده‌هایی که توسط ناشران، کتابداران، خوانندگان و نظریه‌پردازان ادبی نوشته شده بود را با هدف بهبود فهرست کتابخانه، با رویکرد کیفی مورد بررسی و مقایسه قرار داد. یافته‌های وی نشان داد که اطلاعات درباره نویسنده، تجربه شخصی از خواندن رمان و ارزشیابی‌ها (جوایز، ارزیابی‌های شخصی) در کنار عناصری نظیر ژانر به طور مداوم توسط تمام چهار گروه ارائه شده است. ساپرل نتیجه گرفت که این ویژگی‌ها، همان‌هایی هستند که برای توصیف موضوعی رمان مناسب هستند و باید به عنوان استاندارد در فهرست کتابخانه و حتی در پایگاه‌های مشاوره خوانندگان و کتابفروشی‌های آنلاین اضافه شوند.

1. Nacher
2. Spiteri
3. Knowlton
4. Hackert
5. Sauperl

از سایر پژوهش‌ها در این خصوص می‌توان به مطالعه نورا راولینسون^۱ (۲۰۰۰) اشاره کرد که یک مطالعه کمی روی دو هزار کتاب از انتشارات هفتگی^۲ انجام داد. نتایج مطالعه وی نشان داد که از نظر خوانندگان فراداده‌های اضافی موجود در روکش جلد بسیار ارزشمند است و اکثر خریداران کتاب بیان کرده بودند که اطلاعات چاپ شده بر پشت و روی جلد کتاب‌ها، در تصمیم‌گیری آن‌ها برای خرید یک کتاب خاص بسیار مهم است.

در ادامه، بررسی پیشینه‌های پژوهش نشان داد که در داخل کشور موضوع پیرامتن و تأثیر آن بر خواننده داستان چندان مورد توجه قرار نگرفته است. به نحوی که تنها پیشینه مرتبط یافته شده در این زمینه، کار جوادی سپاهکله (۱۳۹۱) در رشته ادبیات بود. وی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی عوامل درون‌متنی و برون‌متنی مؤثر در رونق و رواج رمان عامه‌پسند پرداخت. وی در پژوهش خود محتوا، زبان و عناصر داستان را به عنوان عوامل درون‌متنی و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر در تولید این آثار را به عنوان عوامل برون‌متنی، در ده رمان پرفروش مورد بررسی قرار داد و نتیجه گرفت که این عناصر در رواج و محبوبیت این آثار دخیل هستند. البته در این پژوهش نیز خواننده واقعی مورد مطالعه قرار نگرفته بود و یافته‌ها بر اساس برداشت‌های شخصی و نقطه نظرات پژوهشگر بود.

جمع‌بندی و استنتاج پیشینه

به طور کلی، بررسی پیشینه‌های پژوهش نشان می‌دهد که با وجود تأثیری که عناصر پیرامنتی در درک، ارزیابی، تصمیم‌گیری و انتخاب خواننده دارند، به این عناصر و بررسی تأثیر هر کدام از آن‌ها در بهبود بازیابی داستان توجهی نشده است. همچنین با وجود اهمیت توجه به خواننده و نیازهای وی در بحث بازیابی منابع داستانی، نتایج این پژوهش‌ها، بیشتر برداشت‌های شخصی و نقطه‌نظرات پژوهشگران در این زمینه را نشان می‌دهد و خواننده واقعی و دیدگاه وی در این پژوهش‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین پژوهش حاضر بر خواننده متمرکز شده و تلاش کرده است تا تأثیر هر کدام از این عناصر را در بهبود بازیابی داستان از دید خواننده مورد بررسی قرار دهد. از سوی دیگر، بر خلاف پژوهش‌های قبلی که با رویکرد کیفی و با تعداد محدود نمونه انجام گرفته است، این پژوهش با رویکرد ترکیبی انجام شده است تا به صورت دقیق و کامل مسئله پژوهش را مورد مطالعه قرار دهد و نیز امکان تعمیم نتایج وجود داشته باشد. همچنین تأثیری که پیرامتن بر مخاطبان می‌گذارد، به فرهنگ جامعه و موقعیت زمانی و مکانی مخاطبان بستگی دارد. با این حال،

1. Nora Rawlinson
2. Publisher's Weekly

تاکنون هیچ پژوهشی در این زمینه توسط متخصصان علم اطلاعات و دانش‌شناسی در داخل کشور انجام نشده و لذا این پژوهش می‌تواند سرآغازی در این زمینه به شمار آید و بتواند گام مؤثری در جهت شناخت زوایای پنهان موضوع مورد مطالعه بردارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از نظر رویکرد، از نوع ترکیبی (آمیخته^۱) است و بر اساس نوع‌شناسی طرح‌های ترکیبی کراسول^۲ و دیگران (۲۰۰۳) با راهبرد متوالی اکتشافی^۳ انجام گرفت. جامعه آماری در هر دو مرحله از پژوهش، خوانندگان ادبیات داستانی بودند. ولی به دلیل این که فهرست افراد جامعه مورد مطالعه در دسترس نبود، جامعه آماری در این پژوهش به خوانندگان ادبیات داستانی عضو کتابخانه‌های عمومی زیر نظر نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور محدود شد. انتخاب نمونه‌ها در مرحله پژوهش، ارادی و در جهت هدف پژوهش انجام گرفت. به این صورت که نمونه‌هایی انتخاب شدند که سازگار و همسو با اطلاعات مورد نیاز برای پژوهش بوده و در فهم مسئله پژوهش مؤثر باشند. بر همین اساس، پژوهشگر به سراغ خوانندگان فعال^۴ ادبیات داستانی رفته و بر اساس ویژگی‌های زیر و به روش هدفمند نمونه پژوهشی خود را انتخاب کرد:

- به خواندن ادبیات داستانی علاقه‌مند هستند.
- به صورت مداوم کتاب داستانی می‌خوانند و خواندن داستان به عنوان یکی از فعالیت‌های روزانه این افراد به شمار می‌آید.

- زمانی که به کتابخانه مراجعه می‌کنند، به صورت مستقل کتاب خود را انتخاب می‌کنند.
برای انتخاب این افراد، سابقه امانت کتاب آن‌ها در کتابخانه‌های عمومی مورد بررسی قرار گرفت و همچنین از کتابداران کتابخانه‌های عمومی برای شناسایی این افراد کمک گرفته شد. همچنین این افراد به گونه‌ای انتخاب شدند که خوانندگان انواع داستان‌ها را در بر گیرند.

به منظور گردآوری داده‌ها در این مرحله از پژوهش، از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته فردی^۵ استفاده شد. در مواردی که امکان مصاحبه حضوری با فرد مصاحبه‌شونده به دلیل بعد مسافت وجود نداشت، مصاحبه به شکل تلفنی انجام گرفت و مصاحبه‌ها بین ۳۰ تا ۱۲۰ دقیقه به طول انجامید. با توجه به ماهیت اکتشافی پژوهش‌های کیفی، در این پژوهش از پروتکل‌های مصاحبه با پرسش‌های باز استفاده گردید. به این صورت که

1. Mixed Method Research
2. Creswell
3. Exploratory Sequential Design
4. Active Readers
5. Individual Semi-Structured Interviews

از آن‌ها خواسته شد در خصوص بهترین کتابی که خوانده‌اند صحبت کنند و این که چه ویژگی‌هایی در آن کتاب وجود داشت که باعث شد از خواندن آن لذت ببرند. همچنین در خصوص عواملی که موجب جلب توجه آن‌ها به سمت یک کتاب داستانی می‌شود و نیز ویژگی‌هایی از یک کتاب داستانی که در تصمیم‌گیری آن‌ها برای انتخاب تأثیر دارد، پرسیده شد. در انتها، از آن‌ها خواسته شد در مورد تجارب ناخوشایند خود از خواندن کتاب داستانی و دلایل چنین تجربه‌ای صحبت کنند. بعد از مصاحبه با ۱۴ نفر از خوانندگان ادبیات داستانی و اطمینان از اشباع نظری، داده‌های گردآوری شده بر اساس چارچوب تحلیل مضمون شش مرحله‌ای براون^۱ و کلارک^۲ (۲۰۰۶) طی شش مرحله آشنا شدن با داده‌ها، کدگذاری، جستجوی مضامین، بررسی مضامین، تعریف و نام‌گذاری مضامین کدگذاری و تحلیل شد. با توجه به سازگاری خوب MAXQDA با زبان فارسی، رابط کاربری مناسب و قدرت و انعطاف آن در کدگذاری، برای تحلیل داده‌های کیفی از این نرم‌افزار استفاده شد.

جهت تعیین روایی و پایایی از ارزیابی لینکولن^۳ و گوبا^۴ (۱۹۹۴) و بر اساس چهار معیار اعتبارپذیری^۵، انتقال‌پذیری^۶، اطمینان‌پذیری^۷ و تأییدپذیری^۸ استفاده شد. به این ترتیب که برای کسب قابلیت اعتبار، تلاش شد تا مشارکت‌کنندگان با حداکثر تنوع تجربیات انتخاب شوند و نمونه‌گیری تا رسیدن داده‌ها به مرحله اشباع ادامه یافت و مناسب‌ترین واحد معنایی انتخاب شد. پس از کدگذاری، متن مصاحبه و کدهای استخراج شده به مشارکت‌کنندگان ارائه شد و از آن‌ها درباره صحت و سقم آن نظرخواهی شد و در صورت داشتن هر گونه مغایرت، داده‌ها و کدهای اختصاص داده‌شده مورد بررسی مجدد قرار گرفت. جهت افزایش میزان ثبات پژوهش از طولانی شدن انجام مصاحبه‌ها و زمان گردآوری داده تا حد امکان خودداری و از همه مشارکت‌کنندگان راجع به یک موضوع پرسیده شد. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

به منظور انتخاب نمونه در مرحله دوم پژوهش، گزارشی از وضعیت امانت منابع در کتابخانه‌های عمومی توسط نرم‌افزار سامان گرفته شد و مشخص گردید که در مجموع ۷۲۷,۷۸۱ عضو کتابخانه‌های عمومی کشور، در طول یک سال گذشته حداقل یک کتاب داستانی به امانت برده‌اند. لذا این افراد به عنوان جامعه پژوهش در این مرحله انتخاب شده و نمونه مورد مطالعه به صورت تصادفی از بین این افراد انتخاب گردید. همچنین بر

1. Braun
2. Clarke
3. Lincoln
4. Guba
5. Credibility
6. Transferability
7. Confirmability
8. Dependability

اساس نظر هیر^۱ و دیگران (۲۰۰۹) که حداقل حجم نمونه برای مدل‌سازی معادلات ساختاری با ۷ سازه یا کمتر را ۳۰۰ نفر بیان کردند، در این پژوهش نیز، اندازه نمونه آماری ۳۰۰ نفر در نظر گرفته شد. به منظور گردآوری نیز از یک پرسشنامه محقق ساخته که با طیف لیکرت و بر اساس یافته‌های مرحله اول طراحی شد، استفاده گردید. پرسشنامه شامل ۱۶ گویه بود که در مجموع تأثیر عناصر پیرامنتی را در قالب ۴ متغیر اطلاعات کتابشناختی، مرور و نقد، ویژگی‌های ظاهری و اطلاعات مربوط به نویسنده بر بازایی مؤثر داستان مورد بررسی قرار داد. برای پس از طراحی پرسشنامه، به منظور سنجش روایی پرسشنامه طراحی شده، از دو شاخص نسبت روایی محتوا^۲ (CVR) و شاخص روایی محتوا^۳ (CVI) استفاده گردید. بر اساس نتایج، نسبت روایی محتوایی کل پرسشنامه ۰/۹۳ به دست آمد. همچنین شاخص روایی محتوا برای معیار مربوط بودن ۰/۸۹، برای معیار واضح بودن ۰/۸۷ و برای معیار ساده بودن ۰/۸۹ به دست آمد که نشان‌دهنده روایی محتوایی پرسشنامه است. به منظور بررسی قابلیت اعتماد و پایایی پرسشنامه نیز، از روش آلفای کرونباخ که مبتنی بر همسانی و سازگاری درونی است، استفاده شد. برای این منظور، پرسشنامه به صورت تصادفی در اختیار نمونه مقدماتی متشکل از ۳۰ خواننده ادبیات داستانی قرار گرفت و پس از گردآوری داده‌ها، ضریب آلفای کرونباخ با استفاده از نرم‌افزار SPSS محاسبه شد. با توجه به این که ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برابر ۰/۸۱۱ به دست آمد، پایایی پرسشنامه تأیید گردید.

پس از بررسی و اطمینان از روایی و پایایی، پرسشنامه به صورت آنلاین بین نمونه انتخابی از خوانندگان توزیع گردید. با وجودی که تعداد نمونه ۳۰۰ نفر در نظر گرفته شده بود، به دلیل گستردگی جغرافیایی جامعه آماری و تصمیم بر ارسال لینک پرسشنامه از طریق پیامک برای این افراد، نرخ بازگشت پرسشنامه بین ۶۰ تا ۷۰ درصد برآورد شد و بر همین اساس تعداد ۴۵۰ پرسشنامه بین خوانندگان ادبیات داستانی توزیع شد که از این تعداد، ۳۱۵ پرسشنامه تکمیل شده دریافت گردید. در نهایت پس از گردآوری داده‌ها، با استفاده از نرم‌افزار SmartPLS3 و انجام مدل‌سازی معادلات ساختاری داده‌ها مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

محدودیت‌های پژوهش

بخش دوم پژوهش حاضر با هدف تعمیم نتایج حاصل از مرحله اول به جامعه پژوهش انجام گرفت. ولی به دلیل این که فهرست افراد جامعه مورد مطالعه در دسترس نیست، جامعه آماری به خوانندگان ادبیات داستانی عضو کتابخانه‌های عمومی زیر نظر نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور محدود گردید.

1. Hair

2. Content Validity Ratio

3. Content Validity Index

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که اشاره شد، پس از انجام مصاحبه عمیق نیمه‌ساختار یافته با افراد شرکت‌کننده در این مرحله از پژوهش، داده‌های مصاحبه با روش تحلیل مضمون مورد بررسی قرار گرفت. به این ترتیب که ابتدا فایل صوتی مصاحبه‌ها در قالب فایل ورد پیاده‌سازی شده و در ادامه، به منظور آشنا شدن با داده‌ها و ارتباط با محتوای مصاحبه‌ها، تمامی مصاحبه‌ها یک بار با دقت مطالعه شد. به منظور شناسایی عناصر پیرامنتی مهم در بازیابی داستان از دیدگاه خواننده، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، در سطح جمله و در صورت نیاز واحد معنایی بالاتر، بررسی و کدگذاری شد. پس از کدگذاری اولیه، در مجموع ۵۳ کد استخراج شد که فراوانی بسامد آن‌ها ۲۲۹ کد بود. در این مقاله به دلیل محدودیت، تنها نمونه ۳ کد به همراه شواهد در جدول ۱ ذکر شده‌اند:

جدول ۱. نمونه کدهای اولیه استخراج شده به همراه شواهد متنی

ردیف	کدهای اولیه	فراوانی	شاهد متنی
۱	زندگی‌نامه نویسنده	۴	اگر کتاب از تولستوی هست، بیوگرافی تولستوی رو هم دوست دارم بدونم که اصلا کی هست
۲	شغل نویسنده	۱	این که شغلش نویسندگیه یا شغل دیگه‌ای داره
۳	آثار قبلی نویسنده	۱۰	از به نویسنده، قبلا به چیزی خوندمی و فکر می‌کنی رمان جدیدش هم همون قدر خوبه

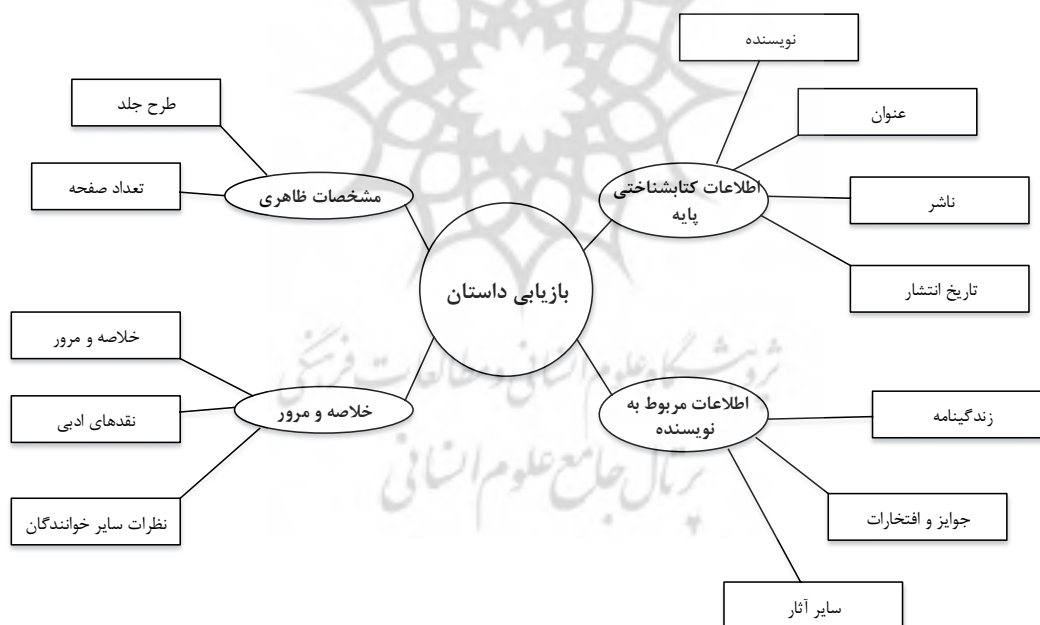
در ادامه، مضامینی که با اهداف پژوهش همخوانی نداشتند کنار گذاشته شدند، همچنین تعدادی از مضامین به دلیل همپوشانی، با یکدیگر ادغام شده و در برخی موارد نیز مضامین شکسته شده و به دو مضمون تبدیل شدند. در مرحله بعد، با تحلیلی دقیق از ماهیت هر مضمون، نامی مناسب و گویا، متناسب با ویژگی‌های خاص هر مضمون انتخاب شد و در نهایت جمع‌بندی نهایی حاصل شد. جدول ۲، نمونه‌ای از نحوه شکل‌گیری مضامین اصلی به دست آمده از تحلیل مصاحبه‌ها به همراه مضامین فرعی و کدهای اولیه را نشان می‌دهد.

جدول ۲. نمونه‌ای از نحوه شکل‌گیری مضامین اصلی و فرعی به دست آمده از تحلیل مصاحبه با خوانندگان داستان

مضمون اصلی	فراوانی کد	مضامین فرعی	فراوانی کد	کدهای اولیه
اطلاعات مربوط به نویسنده	۳۸	جوایز و افتخارات نویسنده	۹	کسب جوایز ادبی
		زندگی‌نامه مبتنی بر سوابق شغلی و تحصیلی نویسنده	۱۳	زندگی‌نامه نویسنده/ سرگذشت نویسنده/ اطلاعات مربوط به نویسنده/ شغل نویسنده/ معلومات و سواد/ سطح تحصیلات
		سایر آثار نویسنده	۱۶	آثار قبلی نویسنده/ تجربه‌های قبلی

- در مجموع بر اساس تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با خوانندگان داستان، ۱۲ عنصر پیرامینی در قالب ۴ مضمون اصلی شناسایی شدند که فراوانی و درصد فراوانی هر کدام از این مضامین به شرح زیر است:
- اطلاعات مربوط به نویسنده: از مجموع گویه‌های استخراج شده، ۳۸ گویه (۱۷ درصد) از بیانات مصاحبه‌شوندگان به این مضمون اشاره داشت.
 - اطلاعات کتابشناختی: از مجموع گویه‌های استخراج شده، ۷۱ گویه (۳۳ درصد) از بیانات مصاحبه‌شوندگان به این مضمون اشاره داشت.
 - مشخصات ظاهری: از مجموع گویه‌های استخراج شده، ۲۴ گویه (۱۱ درصد) از بیانات مصاحبه‌شوندگان به این مضمون اشاره داشت.
 - مرور و نقد: از مجموع گویه‌های استخراج شده، ۶۰ گویه (۲۷ درصد) از بیانات مصاحبه‌شوندگان به این مضمون اشاره داشت.

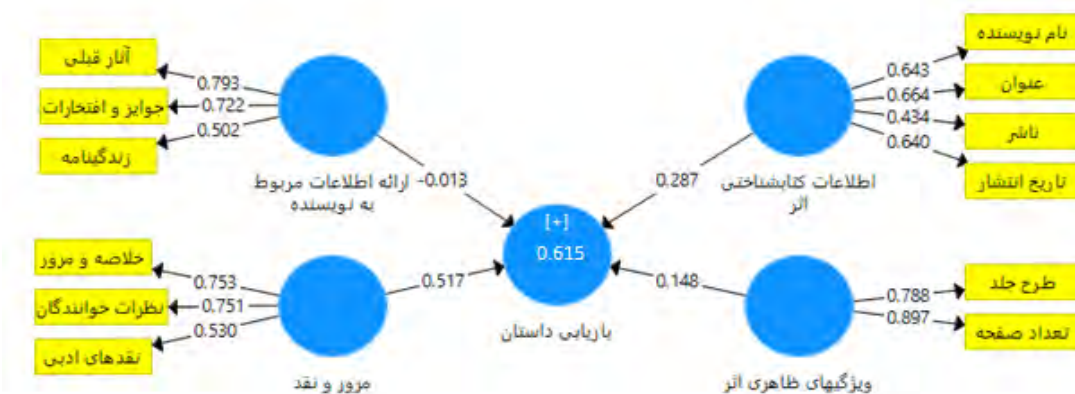
شکل ۱ شمایی کلی از شبکه مضامین استخراج شده از تحلیل مصاحبه‌های کیفی را نشان می‌دهد:



شکل ۱. شبکه مضامین استخراج شده از تحلیل داده‌ها

در ادامه به منظور بررسی تأثیر این عناصر در بهبود بازیابی داستان، از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. برای این منظور، ضریب مسیر (ضریب رگرسیون) و ضریب تعیین (R^2) محاسبه شده و

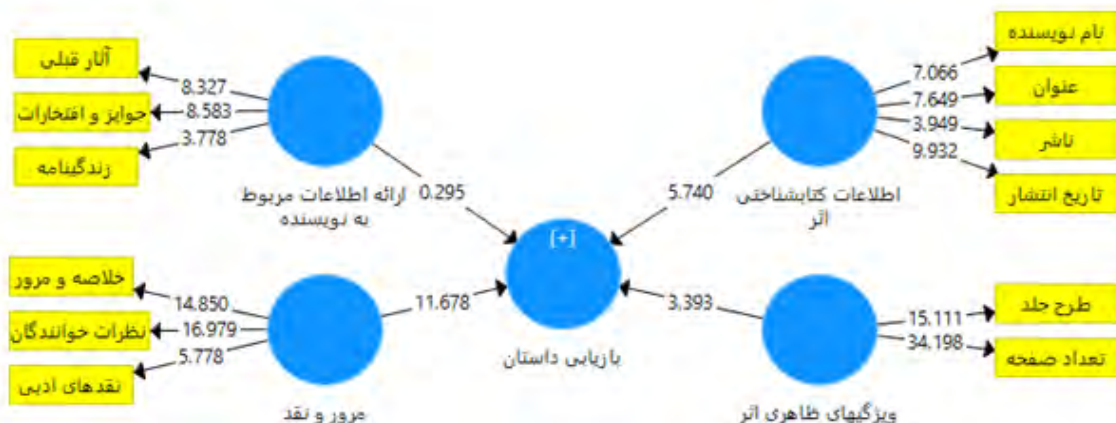
معنی‌داری ضرایب مسیر توسط نرم‌افزار SmartPLS مورد بررسی قرار گرفت. شکل زیر مدل پژوهش را در حالت تخمین ضرایب مسیر نشان می‌دهد.



شکل ۱. مدل پژوهش در حالت تخمین ضرایب مسیر

همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، پس از برآورد مدل، سه نتیجه کلیدی روی شکل نمایش داده شده است: بارهای عاملی برای مدل‌های اندازه‌گیری، ضرایب مسیر برای روابط مدل ساختاری و ضریب تعیین (R^2). با توجه به بارهای عاملی می‌توان گفت که کدام شاخص در اندازه‌گیری متغیر مربوطه سهم بیشتر و کدام شاخص سهم کمتری دارد. یعنی هرچه بارعاملی بزرگتر باشد، سهم آن در اندازه‌گیری متغیر مربوطه‌اش بیشتر است. ضریب مسیر بیان‌کننده وجود رابطه بین متغیرها و شدت این رابطه است. ضریب تعیین یا R^2 نیز میزان تغییرات هر یک از متغیرهای درون‌زای مدل (در اینجا بازیابی داستان) را نشان می‌دهد که به وسیله سایر متغیرها تبیین می‌شود.

به منظور بررسی معنی‌داری بارهای عاملی و ضرایب مسیر و سنجش رابطه بین متغیرها، از ضرایب معنی‌داری t یا همان مقادیر t -values استفاده شد. در صورتی که این مقدار بزرگتر از ۱/۹۶ شود، نشان‌دهنده صحت رابطه بین متغیرها و تأیید تأثیر عناصر بر بهبود بازیابی داستان است (هیر و دیگران، ۲۰۰۹). همان‌طور که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، این مدل تمامی معادلات اندازه‌گیری (بارهای عاملی) و معادلات ساختاری (ضرایب مسیر) را با استفاده از آزمون t برآورد کرده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که تمامی بارهای عاملی همگی در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار شده‌اند و توانسته‌اند سهم معنی‌داری در اندازه‌گیری سازه‌های مربوطه ایجاد کنند.



شکل ۲. مدل پژوهش در حالت معنی‌داری ضرایب

همان‌طور که شکل ۲ مشاهده می‌شود، مقدار آماره t برای تمامی شاخص‌ها بالاتر از $1/96$ است که نشان از معنی‌دار بودن بارهای عاملی و صحت رابطه بین متغیرها و شاخص‌های مرتبط با آن است. مقادیر بار عاملی و نتایج آزمون t برای بارهای عاملی به‌طور خلاصه در جدول ۳ خلاصه شده است.

جدول ۳. مقادیر بارهای عاملی و نتایج آزمون t

مقدار آماره t	بار عاملی	عناصر (شاخص‌ها)	متغیرها
۷/۶۴۹	۰/۶۶۴	عنوان	اطلاعات کتاب‌شناختی پایه
۷/۰۶۶	۰/۶۴۳	نویسنده	
۹/۹۳۲	۰/۶۴۰	تاریخ انتشار	
۳/۹۴۹	۰/۴۳۴	ناشر	ویژگی‌های ظاهری
۳۴/۱۹۸	۰/۸۹۷	تعداد صفحه	
۱۵/۱۱۱	۰/۷۸۸	طرح جلد	
۱۴/۸۵۰	۰/۷۵۳	خلاصه و مرور	مرور و نقد
۱۶/۹۷۹	۰/۷۵۱	نقدها و نظرات خوانندگان دیگر	
۵/۷۷۸	۰/۵۳۰	نقدهای ادبی	
۸/۳۲۷	۰/۷۹۳	سایر آثار نویسنده	اطلاعات مربوط به نویسنده
۸/۵۸۳	۰/۷۲۲	جوایز و افتخارات نویسنده	
۳/۷۷۸	۰/۵۰۲	زندگینامه نویسنده	

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، بر اساس مقادیر بارهای عاملی عنوان در اطلاعات کتاب‌شناختی پایه، تعداد صفحه در ویژگی‌های ظاهری، سایر آثار نویسنده در اطلاعات مربوط به نویسنده و

خلاصه و مرورهای نوشته شده درباره اثر در مرور و نقد در اندازه‌گیری متغیرهای مربوطه سهم بیشتری به خود اختصاص داده‌اند.

بررسی کیفیت مدل

به منظور بررسی کیفیت مدل تدوین شده، از شاخص‌های برازش مدل استفاده شد. با استفاده از شاخص‌های برازش مدل می‌توان به این پرسش پاسخ داد که آیا مدل تدوین شده، توسط داده‌های تجربی گردآوری شده حمایت می‌شود یا خیر؟ در صورتی که پاسخ مثبت باشد، مدل قابل قبول است. یکی از مهمترین شاخص‌ها برای برازش کلی مدل در تکنیک حداقل مجذورات جزئی، شاخص GOF است (تتنهاوس و دیگران، ۲۰۰۴). معیار GOF توسط تننهاوس^۱ و دیگران در سال ۲۰۰۴ ابداع گردید. بر اساس نظر تننهاوس و دیگران، شاخص GOF در مدل PLS راه‌حلی عملی برای مشکل بررسی برازش کلی مدل بوده و می‌توان از آن برای بررسی اعتبار یا کیفیت مدل PLS به صورت کلی استفاده کرد. به عبارت دیگر، این شاخص توانایی پیش‌بینی کلی مدل را مورد بررسی قرار می‌دهد و این که آیا مدل آزمون‌شده در پیش‌بینی متغیرهای مکنون درون‌زا موفق بوده است یا خیر؟ برای محاسبه شاخص GOF از میانگین هندسی شاخص R^2 و میانگین شاخص‌های افزونگی استفاده می‌شود و بر اساس رابطه زیر محاسبه می‌گردد.

$$GOF = \sqrt{\text{average (Commonality)} \times \text{average (R}^2\text{)}}$$

وتزلس^۲ و دیگران (۲۰۰۹) سه مقدار ۰/۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی نموده‌اند. مقدار این شاخص بین صفر تا یک قرار دارد و مقادیر نزدیک به یک نشانگر کیفیت مناسب مدل هستند. جدول ۴ نتایج R^2 و میانگین شاخص‌های افزونگی و همچنین شاخص نکویی برازش مدل (GOF) را نشان می‌دهد.

جدول ۴. شاخص نکویی برازش مدل (GOF)

COMUNALITY=AVE	R2	GOF
0/498	0/615	0/306

1. Tenenhaus

2. Wetzels

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مقدار شاخص برازش برابر $۰/۳۰۶$ است که نشان از برازش مناسب مدل دارد.

بررسی ضرایب مسیر و تحلیل رابطه بین متغیرها

همان‌طور که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، از بین ۱۲ عنصر پیرامنتی مهم در بازیابی داستان، معنی‌داری تأثیر توصیف اطلاعات کتاب‌شناختی اثر شامل ۴ عنصر پیرامنتی نام نویسنده، عنوان اثر، نام ناشر و تاریخ انتشار، ویژگی‌های ظاهری اثر شامل ۲ عنصر طرح جلد و تعداد صفحه و نیز مرور و نقد شامل ۳ عنصر نظرات خوانندگان دیگر، نقدهای ادبی و مرورها و خلاصه‌های نوشته شده درباره اثر در کمک به خواننده برای بازیابی بهتر داستان تأثیر معنی‌داری دارند. با توجه به این که مقدار آماره t برای متغیر ارائه اطلاعات مربوط به نویسنده کمتر از $۱/۹۶$ است، می‌توان نتیجه گرفت که ضریب مسیر برای این متغیر در سطح خطای $۰/۰۵$ معنی‌دار نیست و تأثیر این متغیر بر بازیابی داستان تأیید نمی‌شود. جدول ۵ خلاصه خروجی نرم‌افزار را جهت بررسی معنی‌داری ضرایب مسیر نشان می‌دهد.

جدول ۵. نتایج آزمون t جهت بررسی معنی‌داری ضرایب مسیر

ردیف	شرح فرض آماری	T Statistics	P Values	ضریب تأثیر	نتیجه آزمون فرض آماری
۱	ارائه اطلاعات مربوط به نویسنده -> بازیابی داستان	۰/۲۹۵	۰/۷۶۸	-۰/۰۱۳	رد فرضیه
۲	اطلاعات کتاب‌شناختی اثر -> بازیابی داستان	۵/۷۴	۰	۰/۲۸۷	تأیید فرضیه
۳	مرور و نقد -> بازیابی داستان	۱۱/۶۷۸	۰	۰/۵۱۷	تأیید فرضیه
۴	ویژگی‌های ظاهری اثر -> بازیابی داستان	۳/۳۹۳	۰/۰۰۱	۰/۱۴۸	تأیید فرضیه

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، از دید خوانندگان داستان، ضریب تأثیر مرورها و نقدهایی که درباره اثر نوشته می‌شود در رتبه اول اهمیت قرار دارد و بیشتر از سایر عوامل، به خواننده در بازیابی داستان کمک می‌کند. پس از آن، اطلاعات کتاب‌شناختی اثر با ضریب تأثیر $۰/۲۸۷$ و ویژگی‌های ظاهری اثر با ضریب تأثیر $۰/۱۴۸$ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

نیاز اطلاعاتی خواننده‌ای که به دنبال یک کتاب داستانی خوب برای خواندن است، یا همان هدف مشخصی که فرآیند جستجو برای یافتن مواد خواندنی برای لذت یا تفریح را راه‌اندازی می‌کند، از یک رفتار اطلاعاتی وظیفه‌محور متمایز است و به عنوان یک فعالیت تفریحی در نظر گرفته می‌شود که هدف آن سرگرمی، تفریح و لذت بردن از خواندن داستان است. با وجود چنین تمایزی و همچنین به دلیل تفاوت‌هایی که بین خود منابع داستانی با منابع غیرداستانی وجود دارد، منابع و ابزارهایی که توسط کتابخانه برای تجزیه و تحلیل، رده‌بندی و بازیابی منابع مورد استفاده قرار می‌گیرند، قادر به ایجاد دسترسی دقیق برای عناوین داستانی نیستند و نمی‌توانند به خواننده در یافتن کتاب مناسب از میان انبوه منابع و تجربه کردن لذت یک خواننده خوب کمک کنند. با وجود تلاش‌هایی که پژوهشگران از مدت‌ها قبل برای بهبود دسترسی به منابع داستانی در کتابخانه‌ها انجام داده‌اند، این تلاش‌ها چندان پاسخگوی نیازهای کاربران نبوده است. لذا نیاز به توسعه ابزارهایی برای کمک به خوانندگان در این حوزه احساس می‌شود تا خوانندگان بتوانند به صورت مستقل از آن برای کمک در یافتن داستان استفاده کنند. برای رسیدن به این هدف، نه تنها توجه به ویژگی‌های خود داستان نظیر زمان و مکان و ژانر که در پژوهش‌های قبلی به آن‌ها تأکید شده است، اهمیت دارد بلکه شناسایی و کشف عناصر پیرامنتی که در موفقیت خواننده در یافتن کتاب خوب تأثیر دارند نیز مهم است. بنابراین انگیزه اصلی از انجام این پژوهش، شناسایی عناصر پیرامنتی و بررسی تأثیر این عناصر در بهبود بازیابی داستان از دیدگاه خواننده بود تا ویژگی‌هایی از داستان را شناسایی کند که منعکس‌کننده نیاز خوانندگان داستان بوده و به آن‌ها در بازیابی بهتر داستان کمک کند.

به طور کلی نتایج این پژوهش، دانش قبلی درباره توصیف داستان و بهبود بازیابی داستان را هم تأیید و هم گسترش داده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، از دید خوانندگان داستان، اطلاعات کتاب‌شناختی نظیر نویسنده، عنوان، ناشر و تاریخ انتشار به خواننده در یافتن کتاب مورد نظر خود کمک می‌کنند. در بیشتر نظام‌های بازیابی اطلاعات نیز که در کتابخانه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند، امکان دسترسی به منابع داستانی از طریق این فراداده‌ها فراهم است. با این حال همان‌گونه که پژوهشگرانی مانند سارینن و واکاری (۲۰۱۳) و راس (۲۰۰۱) بیان کرده‌اند، این فراداده‌ها در زمانی که خوانندگان به دنبال کتاب خاصی نیستند و بین کتاب‌ها جستجو می‌کنند تا به صورت تصادفی کتابی مناسب، متناسب با ذائقه خود پیدا کنند؛ چندان کارآمد نیست. برخلاف فراداده‌هایی نظیر نویسنده، عنوان و ناشر که بهترین نقاط دسترسی را برای خواننده‌ای که کتابی خاص از نویسنده‌ای خاص در ذهن دارد، فراهم می‌کنند؛ اطلاعاتی که در خلاصه‌ها و مرورهای نوشته شده درباره داستان ارائه می‌شود و نیز نظرات خوانندگان دیگر که منعکس‌کننده تجربه‌های خواندن آن‌هاست

برای جستجوگرانی کارآمد است که کتاب خاصی در ذهن ندارند و فقط به دنبال کتابی خوب برای خواندن هستند. در واقع همان‌طور که تیلور (۲۰۱۲) نیز بیان کرده است، زمانی که خواننده به دنبال یک کتاب خوب می‌گردد به دنبال تجربه‌هاست و مرورها و تگ‌هایی که توسط سایر کاربران ایجاد می‌شود این تجربه‌ها را در اختیار خواننده قرار می‌دهد. اهمیت مرورها و نقدهایی که درباره اثر نوشته می‌شود توسط پژوهشگران دیگری نظیر اسپیتری و پکوسکی (۲۰۱۶) نیز تأیید شده است. همان‌طور که در این پژوهش‌ها نیز آمده، مرورها و نقدهایی که درباره اثر نوشته می‌شود، به جستجوگران داستان این امکان را می‌دهد که اطلاعاتی درباره تجربه‌ها، احساسات و تعاملات خوانندگان دیگر به دست بیاورند. در واقع می‌توان گفت به دلیل این که نظرات خوانندگان و مرورها و نقدهایی که درباره داستان نوشته می‌شود، در مقایسه با فهرست‌های کتابخانه حاوی اطلاعات بیشتری برای جستجوگران داستان هستند برای خوانندگانی که به دنبال کتابی خوب برای خواندن هستند بیشتر کاربرد دارند.

در نهایت، برخلاف یافته‌های ساپرل (۲۰۱۳) که بر اهمیت اطلاعات مربوط به نویسنده تأکید کرده است، یافته‌های حاصل از این پژوهش، تأثیر این اطلاعات را در بهبود بازیابی داستان تأیید نکرد. به نظر می‌رسد چنین تفاوتی، می‌تواند به دلیل تفاوت در جامعه آماری مورد مطالعه و حجم نمونه در دو پژوهش باشد. یافته‌های ساپرل در نتیجه بررسی و تحلیل کاتالوگ‌های ناشران، سرعنوان‌های موضوعی و کامنت‌های خوانندگان در شبکه‌های اجتماعی به دست آمده است، ولی پژوهش حاضر با این پیش‌فرض که یک سیستم کاربرمحور باید بر اساس نیاز کاربر و خواسته‌های وی توسعه پیدا کند، تمرکز خود را روی خوانندگان واقعی قرار داده است و با وجودی که پس از تحلیل مصاحبه‌های انجام گرفته در مرحله اول پژوهش، اطلاعات مربوط به نویسنده به عنوان یکی از مضامین اصلی استخراج شده بود، ولی تأثیر این اطلاعات در بهبود بازیابی داستان در مرحله سوم و با حجم نمونه بزرگ از خوانندگان داستان تأیید نشد. در واقع می‌توان گفت اگرچه آثار قبلی یک نویسنده می‌تواند به عنوان عاملی برای جذب خواننده به سمت یک اثر داستانی خاص به شمار آید، ولی در صورتی که تجربه قبلی وی از خواندن اثر تکرار نشود، همین عامل می‌تواند باعث ناامیدی خواننده شود. همچنین احتمال دارد جوایز و افتخاراتی که نویسنده کسب کرده است، برای برخی از خوانندگان اهمیت داشته باشد، ولی با توجه به یافته‌های بخش کمی، امکان تعمیم آن به جامعه پژوهش وجود ندارد.

به طور کلی نتایج پژوهش تأثیر عناصر پیرامنتی بر بازیابی داستان را از دید خواننده تأیید کرد. به این دلیل که در اکثر موارد، مخاطب بیشتر از این که با متن اصلی در ارتباط باشد، با پیرامتن‌های آن در تماس است و متن مورد نظرش را از میان انبوه پیرامتن‌ها انتخاب می‌کند. بنابراین توجه به این عناصر برای کمک به خواننده جهت بازیابی بهتر داستان ضرورت دارد. تأکید بر نقش پیرامتن در بازیابی و انتخاب داستان از این

جهت اهمیت دارد که می‌تواند دامنه یک اثر و تصمیم خوانندگان در خصوص این که با اثر درگیر شوند یا خیر؟ را آشکار کند. به عبارت دیگر، پیرامتن به خواننده در یافتن یک اثر خاص و تمایز یک اثر از آثار دیگر کمک می‌کند. اگرچه بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش، برخی از پیرامتن‌ها نظیر ویژگی‌های ظاهری کتاب و اطلاعات مربوط به نویسنده در بازیابی داستان برای خوانندگان از اهمیت چندانی برخوردار نیستند، ولی یافته‌ها نشان از اهمیت غیرقابل انکار برخی دیگر از عناصر پیرامنتی نظیر مرورها و نقدهای نوشته شده درباره اثر در بازیابی کتاب‌های داستانی دارد.

پیشنادهای مبتنی بر یافته‌های پژوهش

- نتایج این پژوهش یک نکته شروع برای توسعه و طراحی سیستم‌های جستجو و بازیابی داستان بر اساس نیاز خواننده ارائه می‌دهد. با توجه به این که بر اساس پژوهش‌های قبلی فراهم کردن فهرست‌های کتابخانه‌ای غنی شده و نقاط دسترسی زیاد برای بازیابی داستان، به جستجوگران در یافتن کتاب‌های داستانی مرتبط کمک می‌کند، در نتیجه پیشنهاد می‌شود از عناصر پیرامنتی شناسایی شده در این پژوهش که تأثیر آن‌ها در بهبود بازیابی داستان تأیید شده است، به عنوان بخشی از توصیف محتوای داستان در فهرست‌های کتابخانه استفاده شود.
- همچنین پیشنهاد می‌شود این عناصر در طراحی و توسعه نرم‌افزارهای جستجو و بازیابی منابع در کتابخانه‌ها، به عنوان نقاط دسترسی برای جستجوی منابع داستان‌ها و نیز غنی‌تر کردن بازنمون نتایج جستجو مورد استفاده قرار گیرد؛ تا با به حداقل رساندن ناسازگاری‌هایی که ممکن است در تطابق داستان با خواسته خواننده پدید آید، موجب افزایش کارایی این نظام‌ها شده و امکان جستجو و بازیابی موفق داستان برای جستجوگران داستان فراهم شود.
- با توجه به تأثیر بالای مرورها و نقدهای نوشته شده درباره اثر در موفقیت بازیابی داستان، پیشنهاد می‌شود امکان تعامل بین کاربران در نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای فراهم شود تا کاربران با آگاهی از تجربیات خوانندگان دیگر بتوانند کتاب‌هایی متناسب با نیاز خود پیدا کنند.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده

- پیشنهاد می‌شود یک سامانه جستجو و بازیابی داستان بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش طراحی شده و پس از ایجاد پایگاه داده‌ای آزمایشی از کتاب‌های داستانی بر اساس نتایج، کارایی و اثربخشی

- آن برای بازیابی منابع داستانی و میزان رضایت کاربران از چنین سامانه‌ای در مقایسه با سامانه‌های موجود جستجو و بازیابی مورد بررسی قرار گیرد.
- بر اساس نتایج، نظرات و نقدهای سایر خوانندگان اطلاعات بیشتری در مقایسه با فهرست‌های کتابخانه برای جستجوگران داستان فراهم می‌کنند و می‌تواند به آن‌ها در انتخاب درست کمک کند. بر همین اساس، بررسی محتوای ایجاد شده توسط خوانندگان و شناسایی اطلاعاتی که به منظور توصیف داستان ارائه می‌دهند و همچنین بررسی کاربرد این اطلاعات در بهبود دسترسی به داستان می‌تواند به عنوان پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده در نظر گرفته شود.
 - تقسیم‌بندی شرکت‌کنندگان در دو گروه خوانندگان فعال و کسانی که به صورت گاه و بی‌گاه داستان می‌خوانند و مقایسه دیدگاه این دو گروه در بررسی تأثیر عناصر پیرامنی بر بهبود بازیابی داستان می‌تواند به عنوان یک پژوهش تکمیلی در نظر گرفته شود. همچنین، مطالعه و بررسی رفتار اطلاع‌یابی این دو گروه می‌تواند به عنوان مکملی برای پژوهش حاضر در نظر گرفته شود.
 - این پژوهش حاضر بر خوانندگان ادبیات داستانی به عنوان جامعه آماری تمرکز داشت و تأثیرگذار عناصر پیرامنی بر بازیابی داستان را مورد بررسی قرار گرفته داده بود. پیشنهاد می‌شود پژوهش با نمونه‌ای متشکل از کتابداران و متخصصان بازیابی اطلاعات نیز تکرار شود تا امکان مقایسه دیدگاه خوانندگان با افرادی که در زمینه ذخیره و بازیابی فعالیت دارند فراهم شود.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه الزهرا (س) به خاطر حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- جوادی سیاهکله، نرجس (۱۳۹۱). *بررسی عوامل درون‌متنی و برون‌متنی مؤثر در رونق و رواج رمان عامه‌پسند (با تأکید بر ده رمان پرفروش معاصر)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- سلطانی، پوری؛ راستین، فروردین (۱۳۹۸). *دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، تهران: فرهنگ معاصر.
- میرصادقی، جمال (۱۳۹۴). *ادبیات داستانی*، تهران: نشر سخن. چاپ هفتم.
- میرصادقی، جمال (۱۳۹۵). *واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی*، تهران: کتاب مهناز.

References

- Benzon, P. (2013). Bootleg paratextuality and digital temporality: Towards an alternate present of the DVD, *Narrative*, 21(1), 88–104.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology, *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Creswell, J. W., Plano Clark, V. L., Gutmann, M. L., & Hanson, W. E. (2003). An expanded typology for classifying mixed methods research into designs, *Handbook of mixed methods in social and behavioral research*, 209-240.
- Genette, G. (1997). *Paratexts: Thresholds of Interpretation*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Gray, J. (2015). Afterword: studying media with and without paratexts, In *Popular Media Cultures*, (pp. 230-237), Palgrave Macmillan, London.
- Gross, M., & Latham, D. (2017). The peritextual literacy framework: Using the functions of peritext to support critical thinking, *Library and Information Science Research*, 39(1), 116-123.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1994). Competing paradigms in qualitative research, *Handbook of qualitative research*, 2(105), 163-194.
- Hair, J. F., Black, W., Bablin, B., & Anderson, R. E., (2009). *Multivariable data analysis*, NJ: Prentice Hall.
- Hill, H. L., & Pecoskie, J. (2014). Iterations and evolutions: Paratext and intertext in fanfiction. In *Examining paratextual theory and its applications in digital culture*, 143-158, Hershey, IGI Global.
- Javadi Siyahkale, N. (2013). *Investigating peritext and epitext factors influencing the popularity of pulp novel*, Master dissertation, Ferdowsi University, Mashhad. (in Persian)
- Knowlton, S. A., & Hackert, L. N. (2015). Value added: Book covers provide additional impetus for academic library patrons to check out books, *Library Resources & Technical Services*, 59(3), 112-119.
- Koolen, M., Bogers, T., van den Bosch, A. & Kamps, J. (2015). Looking for books in social media: an analysis of complex search requests, *Computer Science*, 9022(1), 184-196.
- Leavenworth, M. L. (2015). The paratext of fan fiction, *Narrative*, 23(1), 40–60.
- Malone, C. N. (2015). Noses in books: Orientation, immersion, and paratext, *Interdisciplinary Science Reviews*, 40(1), 17–28.
- McCracken, E. (2013). Expanding Genette's epitext/peritext model for transitional electronic literature: Centrifugal and centripetal cectors on Kindles and iPads, *Narrative*, 21(1), 105-124.
- Mikkonen, A., & Vakkari, P. (2016). Finding Fiction: Search Moves and Success in Two Online Catalogs, *Library & Information Science Research*, 38(1), 60–68.
- Mirsadeghi, J. (2015). *Fiction Literature*, Tehran: Sokhan Publication. (in Persian)
- Mirsadeghi, J. (2016). *The art of fiction glossary*, Tehran: Ketab-e Mahnaz. (in Persian)

- Nacher, A. (2014). Mashup as Paratextual Practice: Beyond Digital Objects (in the Age of Networked Media), *In Examining paratextual theory and its applications in digital culture* (pp. 63-82), Hershey, IGI Global.
- Ooi, K. & Liew, C. L. (2011), Selecting fiction as part of everyday life information seeking, *Journal of Documentation*, 67(5), 748-772.
- Pöntinen, J., & Vakkari, P. (2013). Selecting fiction in library catalogs: A gaze tracking study, *In International Conference on Theory and Practice of Digital Libraries*, Springer, Berlin, Heidelberg.
- Rawlinson, N. (2000). Why Not Judge a Book by Its Cover, *Publishers Weekly*, 247(6).
- Rockenberger, A. (2014). Video game framings, In N. Desrochers, & D. Apollon (Eds.), *Examining paratextual theory and its applications in digital culture* (pp. 252-286), Hershey, IGI Global.
- Saarinen, K., & Vakkari, P. (2013). A sign of a good book: readers' methods of accessing fiction in the public library, *Journal of Documentation*, 69(5), 736-754.
- Saupperl, A. (2013). Four Views of a Novel: Characteristics of Novels as Described by Publishers, Librarians, Literary Theorists, and Readers, *Cataloging & Classification Quarterly*, 51(6), 624-654.
- Soltani, P., & Rastin, F. (2019). *Encyclopedia of Library and Information*, Tehran: Farhang e Moaser Publication. (in Persian)
- Spiteri, L. F., Pecoskie, J., & Tarulli, L. (2016). In the readers' own words: how user content in the catalog can enhance readers' advisory services, *Reference and User Services Quarterly*, 56(2), 91-95.
- Statistics of Finnish public libraries (2020). Available from: <https://tilastot.kirjastot.fi/>
- Strehovec, J. (2017). E-literary text and new media paratexts, In *Advertising and Branding: Concepts, Methodologies, Tools, and Applications* (pp. 186-203). Hershey, IGI Global.
- Tenenhaus, M., Amato, S., & Esposito Vinzi, V. (2004). A global goodness-of-fit index for PLS structural equation modeling, *Proceedings of the XLII SIS scientific meeting*, 1(2), 739-742.
- Vakkari, P., Luoma, A., & Pöntinen, J. (2014, August). Book's interest grade and dwell time in metadata in selecting fiction, In *Proceedings of Information Interaction in Context 2014* (pp. 28-37), New York.
- Vakkari, P., & Serola, S. (2012). Perceived outcomes of public libraries, *Library & Information Science Research*, 34(1), 37-44.
- Wetzels, M, Odekerken-Schroder, G., & Van Oppen, C. (2009). Using PLS Path Modeling for Assessing Hierarchical Construct Models: Guidelines and Empirical Illustration, *MIS Quarterly*, 33(1), 177-195.
- Wilson, M. D., Spillane, J. L., Cook, C., & Highsmith, A. L. (2000). The relationship between subject headings for works of fiction and circulation in an academic library, *Library collections, acquisitions, and technical services*, 24(4), 459-465.